

## خمریات رودکی و ابونواس؛ نقدی گشوده، تحلیلی ناتمام

تورج زینی‌وند\*

### چکیده

موضوع این جستار نقد و بررسی کتاب نقد و بررسی تطبیقی خمریات رودکی و ابونواس، تألیف سید فضل‌الله میرقادری است. در این مقاله، ضمن معرفی کلی اثر و تحلیل ابعاد شکلی آن، به بیان «امتیازات»، «کاستی‌ها»، و «بایسته‌های» محتوایی آن نیز پرداخته شده است. امانت‌داری علمی در ذکر منابع، بی‌طرفی در نقد و نظر، نکته‌سنجی و دقت در تحلیل، نظریه‌پردازی در نقد و تحلیل، استفاده از برخی منابع معتبر علمی، ارائه فهرست‌های گوناگون و کارآمد در پایان کتاب، و رویکرد اخلاقی و دینی به موضوع تطبیق برخی از امتیازات و نوآوری‌های این کتاب به شمار می‌آیند. در برابر این امتیازات، عدم اهتمام به نظریه و مبانی نظری روش پژوهش در مطالعات تطبیقی، موضوع‌محوری توصیفی و گریز از مسئله‌پژوهی و اهتمام به کشف مجهول، غفلت از یافته‌های نوین پژوهشی، در حاشیه قرار دادن نقد ادبی و زیبایی‌شناسی، و رویکرد ذوقی در بخش نقد و نظر از جمله کاستی‌های این کتاب است. این پژوهش توصیفی - تحلیلی بر آن است تا به تحلیل محتوایی و شکلی امتیازها و کاستی‌های ذکر شده بپردازد.

**کلیدواژه‌ها:** ادبیات تطبیقی، شعر خمری (باده‌سرایی)، ابونواس، رودکی، نقد ادبی.

### ۱. مقدمه

یکی از نیازها و چالش‌های اساسی و جدی ادبیات تطبیقی در ایران، فقدان «نمونه‌های روش‌مند»ی است که در این حوزه بر پایه «نظریه» استوار باشد. امروزه در ایران تب این

---

\* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی کرمانشاه T\_zinivand56@yahoo.com  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۸

رشته جدید چنان فزونی یافته است که هر «شوریده‌سری» خود را «قلندر» میدان تطبیق می‌داند و مهم‌تر این‌که حجم زیادی از مقالات دریافتی و چاپی مجلات علمی و تخصصی به برخی پژوهش‌های تطبیقی، و البته بی‌مایه، اختصاص دارد. اما با نگاهی گذرا و هوشمندانه به بسیاری از این پژوهش‌ها می‌توان به‌روشنی دریافت که نویسندگان آن‌ها آشنایی چندانی با مبانی ابتدایی این دانش، به‌ویژه مبانی نظری پژوهش تطبیقی، ندارند. این «بی‌خبری یا بی‌اعتنایی به نظریه‌های ادبیات تطبیقی» (انوشیروانی، ۱۳۸۹: ب: ۱۲) بر دشواری و بی‌مایگی این پژوهش‌ها افزوده است. در حالی که موفقیت یا عدم موفقیت این پژوهش‌ها تا حدود زیادی به این دو اصل (روش‌مندی و تکیه بر نظریه) وابسته است. درحقیقت، پژوهش‌های تطبیقی که برخوردار از این دو شاخص نباشند نه‌تنها برای ادبیات ملی و جهانی سودمند نیستند، بلکه آسیب‌های جدی برای ادبیات تطبیقی در سرزمین‌هایی خواهد بود که نهال این تخصص تازه در سرزمین آن‌ها روییده است. رنه ولک و آوستن وارن در تأکید بر «روش‌مندی و شناخت نظریه‌های ادبی» چنین می‌گویند: «شناخت تنها در قالب مفاهیم کلی و بر مبنای نظریه ادبی امکان‌پذیر است. نظریه ادبی ارغنون روش‌ها و نیاز عمده تحقیق ادبی امروزه است» (ولک و وارن، ۱۳۷۳: ۸).

با تأکید بر این گفتار، برآنیم تا به نقد و تحلیل شکلی و محتوایی نقد و بررسی تطبیقی خمريات رودکی و ابونواس تألیف سید فضل‌الله میرقادری، عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز، پردازیم. این کتاب در سال ۱۳۹۰ و در ۲۱۱ صفحه با ویراستاری علمی حسین کیانی از سوی انتشارات کوشامهر در شیراز روانه بازار کتاب شده است.

## ۲. پردازش تحلیلی موضوع

در این بخش از مقاله، نخست به تحلیل ابعاد شکلی کتاب و سپس به نقد و بررسی محتوایی آن (کاستی‌ها و امتیازها) می‌پردازیم.

### ۱.۲ تحلیل ابعاد شکلی اثر

#### ۱.۱.۲ امتیازات

کیفیت شکلی و چاپی اثر از نظر حروف‌نگاری مناسب یک کتاب دانشگاهی است. از نظر صفحه‌آرایی نیز از ویژگی‌های خوبی برخوردار است. صحافی کتاب نیز با دقت و استواری

انجام شده است. طرح جلد کتاب، که به رنگ باده و با شکل‌های سستی در حاشیه همراه است، اندیشه مخاطب آگاه را به سوی عنوان و محتوای کتاب رهنمون می‌کند. افزون بر این، از نظر «جامعیت صوری»، مؤلف توجه و حساسیت ویژه‌ای به ذکر فهرست، فصل‌بندی، و کلیات پژوهش (تعریف موضوع، هدف، روش، اهمیت و ضرورت تدوین چنین اثری، پیشینه پژوهش، و دشواری‌های آن) داشته است. هم‌چنین، در پایان هر فصل به نتیجه‌گیری و بیان اجمالی مطالب اشاره نموده است. فهرست پایانی کتاب نیز دربرگیرنده نام اشخاص، نام مکان‌ها، ابیات فارسی، ابیات عربی، و کتاب‌نامه است. چنین فهرستی موجب دسترسی آسان مخاطب به متن کتاب شده است و او را در نکته‌یابی و جست‌وجوی موضوع یاری می‌نماید.

#### ۲.۱.۲ کاستی‌ها

- تمرین و پرسش: اگرچه مؤلف کتابش را در مقدمه به عنوان یک کتاب آموزشی معرفی نکرده است، اما از آن‌جا که مخاطبانش استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی، و شاید کارشناسی، رشته‌های ادبیات عربی و فارسی و تطبیقی‌اند، بهتر می‌بود که اهداف آموزشی و پژوهشی (تمرین، پرسش، و پیشنهاد پژوهش) نیز در آن گنجانده می‌شد. چنین رویکردی سبب می‌شود که مخاطبان بیش‌تر به سوی نقد، یادگیری، و پژوهش ترغیب شوند و از یک‌نواختی مطالعه رهایی یابند.

- عنوان کتاب: عنوان این اثر نقد و بررسی تطبیقی *خمریات رودکی و ابونؤاس* است. این در حالی است که ابونؤاس از نظر زمانی بر رودکی تقدم دارد. نادیده گرفتن این تقدم و تأخر زمانی سبب شده است که مؤلف در فصل نخست نیز ابتدا به تحلیل زندگی رودکی و سپس زندگی ابونؤاس بپردازد. در فصل سوم، که بنیاد نظری و عملی کتاب بر آن استوار است، نیز ابتدا به شعر رودکی و سپس به شعر ابونؤاس پرداخته شده است. اهمیت رعایت این تقدم و تأخر زمانی است که مؤلف در پیش‌گفتار (صفحه ۱۱) بیان نموده است که این اثر بر اساس مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی صورت می‌گیرد. دو کلیدواژه اساسی مکتب فرانسه پیوند تاریخی و اثبات‌گرایی تأثیر و تأثر است. دست‌یابی به چنین فرضیه‌ای، بدون رعایت «عنصر زمان و تاریخ»، سبب دور شدن از مبنای این نظریه می‌شود.

حروف‌نگاری: ابیات عربی (شعر ابونؤاس) و دیگر نقل قول‌هایی که به زبان عربی است، با قلم مشکی برجسته (bold) ذکر شده است. در حالی که شعر فارسی (شعر رودکی

و دیگر شاعران) را با قلم معمولی نگاشته است. چنین امری می‌تواند ذوقی و سلیقه‌ای هم تصور شود، اما نباید غافل شد که چنین ناهماهنگی و پریشانی‌ای ممکن است بر مخاطبان و خوانندگان تأثیر منفی داشته باشد.

افزون بر این، بهتر می‌بود که قلم تاپیی کتاب در بخش جمله‌ها و شعرهای عربی متفاوت از قلم فارسی باشد. نادیده گرفتن چنین ظرافتی سبب شده است که حرف «ی» در همه موارد بدون دو نقطه معروف (ي) باشد. یا این‌که حرف «تای مدوره» (ة) بدون دو نقطه لازم باشد. این ضعف در تمامی کتاب به روشنی دیده می‌شود. بهتر بود که عبارت‌های عربی با قلمی نگاشته می‌شد که با ویژگی‌های زبان عربی هماهنگی و سازگاری داشته باشد.

– قواعد عمومی ویرایش و نگارش: ویراستاری علمی این کتاب به اهتمام حسین کیانی بوده است و تا حدود بسیار زیادی تلاش شده است که تحلیل فرضیه‌ها در متن کتاب با درستی و احتیاط همراه باشد. اما در ویرایش ادبی و نگارشی کتاب نیز امتیازات و کاستی‌هایی دیده می‌شود: امتیاز برجسته آن سطر بندی درست و مناسب و رعایت تیر بندی‌های فرعی و اصلی است. از نقص‌های آن نیز می‌توان به چند نکته اشاره کرد: بهتر است اسم‌های علم، که برای نخستین بار در کتاب ذکر می‌شود، داخل گیومه قرار گیرد (← پاراگراف نخست کتاب، صفحه ۲۰)؛ دیگر آن‌که شایسته بود تمامی اسم‌های علم با استفاده از کتاب‌های معتبر و مشهور زندگی‌نامه (الأعلام، وفيات الأعیان، و ...) در پانویست معرفی می‌شد (← پاراگراف ۲ صفحه ۶۱). مؤلف محترم تنها به معرفی برخی از این اسم‌ها بسنده نموده است (← پاراگراف ۴ صفحه ۱۴).

کاربرد علائم نگارشی در کتاب متوسط است. مؤلف چندان پای‌بند به رعایت این نشانه‌ها نیست. در ذیل به دو نمونه از این کاستی‌ها و چگونگی اصلاح آن‌ها بسنده می‌شود:

الف) چون از برمکیان نومید شد به رقیبشان یعنی آل ربیع که خاندان بانفوذی بودند پیوست و به مدح آنان پرداخت و از جوایزشان بهره برد (صفحه ۴۱).

#### اصلاح جمله:

چون از برمکیان، نومید شد به رقیبشان، یعنی؛ «آل ربیع»، که خاندان بانفوذی بودند، پیوست و به مدح آنان پرداخت و از جوایزشان بهره برد.

ب) دولت‌شاه سمرقندی مؤلف *تذکره الشعرا* هم نوشته که استاد رودکی پس از مرگ، دوپست غلام هندو و ترک از خود بر جای گذاشت که این خود بخشی از اموال و دارایی او بود (صفحه ۲۳).

### اصلاح جمله:

«دولت شاه سمرقندی»، مؤلف تذکرة الشعراء، هم نوشته است که استاد رودکی پس از مرگ، دو بیست غلام هندو و ترک از خود بر جای گذاشت که این خود، بخشی از دارایی او بود. - زبان نوشتاری: سبک نوشتاری مؤلف از ویژگی‌های ممتاز یک کتاب دانشگاهی و امروزی به زبان فارسی برخوردار است. البته، در برخی جمله‌ها، در استفاده از واژگان عربی یا جمع‌های عربی زیاده‌روی نموده است. شایسته بود که برابری فارسی به کار گرفته شود مانند: خیالات (صفحه ۱۳)، تحقیقات (صفحه ۱۵)، تشابهات (صفحه ۱۴)، القاب و عناوین (صفحه ۲۶)، اماکن (صفحه ۴۲)، تصاویر (صفحه ۳۳)، قصاید (صفحه ۴۵)، لذات آنی (صفحه ۵۳)، ادبا (صفحه ۷۴)، و لذا یذ (صفحه ۷۵).

## ۲.۲ تحلیل ابعاد محتوایی

### ۱.۲.۲ بهره‌گیری از ابزارهای علمی

یکی از هدف‌های اساسی تألیف کتاب، و هر پژوهش دیگر، آگاهی‌رسانی به مخاطب و کمک به پیشرفت اندیشه اوست. میرقادی در این کتاب بر آن بوده است تا با بهره‌گیری از ابزارهای علمی به این موضوع دقت کند؛ طرح بحث‌های مقدماتی که مربوط به زندگی ابونواس و رودکی و سیر باده‌سرای در شعر عربی و فارسی است، نتیجه‌گیری و جمع‌بندی پایانی فصل‌ها، شاهد‌های شعری فراوان، و ارائه نقد و نظر در باب مضمون‌های مشترک نمونه‌هایی از این تلاش‌هاست. اما آنچه از قلم او غافل مانده است ارائه «تمرین و پرسش» است. پرسش اساس تحول اندیشه و کشف حقیقت است و اهتمام به ارزش آن در آثار تألیفی سبب می‌شود که آن اثر مورد ارجاع و اهتمام اندیشمندان و پژوهش‌گران قرار گیرد و چه بسا سبب آفرینش آثار علمی و پژوهشی دیگری شود.

### ۲.۲.۲ کیفیت، میزان کاربرد، و معادل‌سازی اصطلاحات تخصصی

بنیاد نظری این پژوهش بر اساس مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی استوار است (صفحه ۱۱) کلیدواژه این مکتب نیز در دو اصطلاح تخصصی (پیوند تاریخی و اثبات‌گرایی تأثیر و تأثر) نهفته است. به عبارت دیگر «این مکتب بر ارائه مستندات و مدارک تاریخی اصرار می‌ورزد و هرگونه مطالعه تطبیقی را مشروط به اثبات رابطه تاریخی بین دو فرهنگ مورد نظر می‌داند» (انوشیروانی، ۱۳۸۹ الف: ۱۲).

بنابراین، انتظار می‌رود در پژوهش‌هایی که بنیاد آن‌ها بر این نظریه استوار است، به هنگام تجزیه و تحلیل موضوع از این دو اصطلاح کلیدی استفاده شود. در این کتاب، تنها در چهار مورد (صفحه ۱۰، ۱۱، ۱۳، و ۱۴) به این دو واژه بسنده شده است.

نادیده گرفتن چنین مبنای نظری‌ای سبب شده است که مؤلف از نکته کلیدی دیگری هم غافل شود و مدار پژوهش را تا حدود زیادی به بررسی تأثیرپذیری رودکی از ابونؤاس محدود نماید. در حالی که، همان‌طور که خود مؤلف نیز در کلیات پژوهش، به نقل از شوقی ضیف، (صفحه ۱۵) اشاره نموده است، ابونؤاس شاعری ایرانی تبار است که در محیط‌های عربی پرورش یافته است و سرچشمه و خاستگاه بسیاری از وصف‌های او در باده‌سرایی در بن‌مایه‌های فرهنگ و تمدن ایرانی ریشه دارد. اهمیت این دقت و ضرورت به اندازه‌ای است که نادیده گرفتن آن سبب می‌شود مخاطب چنین تصور نماید که تاریخ آغازین شعر فارسی و نیز هنرنمایی‌های شاعرانه رودکی در این غرض شعری به تقلید محض از فرهنگ و ادب عربی بوده است. در حالی که فرهنگ و شعر عربی در این غرض شعری، بیش‌تر نقش واسطه را داشته و در برابر این مسئله شاعر عربی‌سرای، هم‌چون ابونؤاس، که ایرانی تبار است، در تحول و تکامل آن نقش بنیادی و کلیدی داشته است. به عبارت ساده‌تر، بن‌مایه‌ها و ریشه‌های هر دو سوی این تطبیق و غرض شعری فرهنگ ایرانی است و این بیان‌گر غنای فرهنگ ایرانیان و توانایی و استعداد شگرف ادیبان ایرانی است. این ظرافت و تأمل به معنی خودشیفتگی فرهنگی یا تعصب نیست، زیرا ماهیت ادبیات تطبیقی نکوهش تعصب و قومی‌گرایی است؛ بلکه مقصود این است که تأکید بر سرچشمه‌ها و ریشه‌های تاریخی یک پدیده ادبی بخش جدایی‌ناپذیر مکتب فرانسه است و آگاهی از سیر و تحول این غرض شعری در فرهنگ عربی و فارسی ما را به هویت فرهنگی و ریشه‌های فرهنگ ملی رهنمون می‌کند. از این رو، دوری از مبنای نظریه و انسجام نظری، یکی از چالش‌های جدی این کتاب است. به همین سبب است که نگارنده این سطرها نقدهای مؤلف این کتاب را بر خمریات ابونؤاس و رودکی «نقدی گشوده و تحلیلی ناتمام» نام نهاده است.

افزون بر این، مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی به سبب دوری از «نقد زیبایی‌شناسی» همواره مورد هجوم منتقدان قرار گرفته است؛

زیرا در پژوهش ادبی، نظریه و نقد و تاریخ را با هم به کار می‌گیرند تا وظیفه محوری آن را متحقق کنند. این وظیفه عبارت است از تفسیر و ارزش‌یابی یک اثر هنری یا هر دسته‌ای از آثار هنری ... پژوهش ادبی از لحاظ روش پیشرفت نخواهد کرد، مگر این‌که ادبیات را به

صورت موضوعی متمایز از دیگر فعالیت‌ها و دستاوردهای نوع بشری بررسی کند. از این رو، باید با مسئله ادبیت (literariness) موضوع محوری زیبایی‌شناسی و کیفیت هنر و ادبیات دست و پنجه نرم کنیم (ولک، ۱۳۸۹: ۹۶).

میرقادی در بخش نقد و نظر، بدون این که در کلیات پژوهش، سخنی از این رویکرد نقدی و زیبایی‌شناسی بگوید، به نقد موضوع‌های مشترک و متفاوت دو شاعر نیز نظر داشته است، اما نقدهای او به‌سختی در چهارچوب نقد ادبی و زیبایی‌شناسی قرار می‌گیرند؛ چراکه ذوق و تجربه و برداشت‌های شخصی و غیر مستند نمی‌تواند معیار نقد و نظر باشد. به عبارت دیگر، «دل بستگی به شواهد و رویگردانی از مستندات» (این تعبیر را از «فرمان سالار» به عاریت گرفته‌ام) (خاتمی، ۱۳۸۹: ۳۸۴) و نیز عدم اهتمام به نقد علمی ساختارهای شعری دو شاعر از آسیب‌های جدی این پژوهش است. از این رو، غفلت مؤلف از این مسئله سبب شده است که این پژوهش تطبیقی در چهارچوب یک اثر «توصیفی - تحلیلی» و «موضوع‌محور» و به دور از روش‌ها و جریان‌های «نقد ادبی نوین» باشد.

به هر حال، هر دانشی بر اساس موضوع، مسئله، غایت، و هدفی که دارد، نیازمند روشی ویژه در عرصه پژوهش است. این روش ویژه سبب می‌شود که پژوهش‌گر به شیوه علمی و آسان‌تر به هدف پژوهش برسد. نگاهی گذرا به پژوهش‌های ادبیات تطبیقی در ایران، بیان‌گر این واقعیت است که ویژگی بیش‌تر آن‌ها دور بودن از مبانی روش‌مند پژوهش در عرصه ادبیات تطبیقی است. از این رو، ساختار و نتیجه بیش‌تر این پژوهش‌ها نیز غیر علمی، نادرست، و مبهم است (← زینی‌وند، ۱۳۹۱: ۹۴).

بنابراین، لازم است که در چاپ جدید این کتاب، مبنای نظری مقایسه به گونه‌ای دقیق و علمی مطرح شود و شیوه و چگونگی مقایسه و نتیجه‌گیری نیز بر مدار آن مبنای نظری باشد. افزون بر این، ضروری است که میزان «تأثیرپذیری» رودکی از ابونواس یا میزان «هم‌سویی و ماندگی» دو شاعر در این غرض شعری تفکیک شود تا مخاطب به تصویری جامع از مقایسه این غرض شعری در شعر ایشان دست یابد. در تبیین بیش‌تر آن‌چه گفته شد، ذکر این نکته نیز ضروری است که نظریه در ادبیات تطبیقی تنها به شیوه تطبیق نمی‌نگرد، بلکه در نظریه، که همان پیکره و مجموعه نظام‌مند اندیشه و فکر نویسنده است (← کالر، ۱۳۸۵: ۹)، به کارکردهای گوناگون ادبی و غیر ادبی متن‌های مورد مقایسه، اهتمام ورزیده می‌شود. برای نمونه، جایگاه دیگر دانش‌ها (مطالعات میان‌رشته‌ای) و مسئله فرهنگ (مطالعات میان‌فرهنگی) می‌تواند نویسنده را در تجزیه و تحلیل بیش‌تر متن یاری نماید.

### ۳.۲.۲ تناسب و جامعیت محتوایی و موضوعی اثر با توجه به اهداف درس مورد نظر

این تألیف می‌تواند یکی از منابع فرعی و عملی برای استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی (ادبیات عربی، ادبیات فارسی، و ادبیات تطبیقی) باشد. البته تخصصی بودن کتاب سبب شده است که چندان برای دانشجویان مقطع کارشناسی مورد استفاده قرار نگیرد؛ زیرا این تألیف بیش‌تر از آن‌که اثری آموزشی باشد اثری پژوهشی است و تناسب چندان با سرفصل‌های مصوب وزارت علوم ندارد. از سوی دیگر، این کتاب استانداردهای لازم (حیطه‌های شناختی و ...) را برای تدریس در مقطع کارشناسی ندارد. البته، مؤلف هم چنین هدف و انتظاری را در مقدمه کتاب بیان نکرده است.

### ۴.۲.۲ انطباق محتوای اثر با عنوان و فهرست

محتوای اثر با عنوان و فهرست کتاب تناسب و هماهنگی لازم را دارد، اما همان‌طور که گفته شد بهتر می‌بود، با توجه به تقدم زمانی ابونؤاس بر رودکی و تأکید بر تأثیرپذیری رودکی از ایشان، عنوان کتاب این‌گونه ذکر و اصلاح شود: *نقد و بررسی تطبیقی خمریات ابونؤاس و رودکی*.

### ۵.۲.۲ روزآمدی داده‌ها و اطلاعات اثر

میزان روزآمدی یافته‌ها و اطلاعات نویسنده در این کتاب از جهت ارجاع به منابع جدید متوسط است. پژوهش فراوان و مستقلی در جهان عرب و ایران درباره شعر ابونؤاس و رودکی صورت گرفته است. برای نمونه *ابونؤاس الحسن ابن هانی* اثر «عباس محمود العقّاد» و *نفسیه ابی نؤاس* اثر «محمد النوبهی» در شمار این پژوهش‌ها به شمار می‌آیند. کتاب *چالش میان عربی و فارسی* اثر «آذرتاش آذرنوش» و مقاله ایشان «شعر ابونؤاس» در *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی* (ذیل «ابونؤاس») و نیز مقاله «عنایت‌الله فاتحی نژاد» در باب «زندگی و آرای ابونؤاس» (همان) از نمونه‌های بارز غفلت مؤلف در استفاده از منابع جدید و معتبر است.

در حوزه منابع نظری (مکتب فرانسه)، که این پژوهش بر اساس آن صورت گرفته است، تنها به یک منبع، *ادبیات تطبیقی: پژوهش تطبیقی در ادبیات عربی و فارسی*، اثر «محمد السعید جمال‌الدین» بسنده شده است (منبع شماره ۳۴ کتاب). در حالی که کتاب‌ها و مقالات پژوهشی معتبر زیادی درباره این مکتب و نقد آن نگاشته شده است؛ از *ادبیات تطبیقی تا نقد ادبی: مجموعه مقالات اثر «طهمورث ساجدی»* و نیز مقالات



علی‌رضا انوشیروانی در *ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی فرهنگستان* از نمونه‌های پیشنهادی برای استفاده مؤلف در چاپ جدید کتاب است.

فهرست پایانی کتاب (۶۴ منبع) گویای این است که مؤلف در استفاده از مقالات علمی- پژوهشی نیز چندان استفاده زیادی نداشته و تنها به یک مقاله بسنده نموده است. این در حالی است که مؤلف در پیشینه پژوهش (صفحه ۱۵) به مقاله «مرّج الخمر فی الشعر العربی و الفارسی» (شاملی و زینی‌وند، ۲۰۰۶) اشاره نموده است، اما در تحلیل متن و فهرست پایانی اثری از مشخصات این مقاله دیده نمی‌شود. مقاله تخصصی دیگری از زینی‌وند درباره خمریات ابونؤاس و رودکی با عنوان «مقارنه بین ابی‌نؤاس الأهوازی البصری و الرودکی السمرقندی فی ضوء خمریاتهما المادیه» در مجله الکترونیکی معکم منتشر شد که می‌توانست مورد استفاده مؤلف نیز قرار گیرد. این مقاله با تغییرات اساسی در شماره چهارم فصل‌نامه *نقد و ادبیات تطبیقی* دانشگاه رازی (۱۳۹۰: ۱۵۳-۱۷۶) چاپ شده است. و نیز مقاله «نگاه شاعرانه رودکی و ابونؤاس به خمریات» اثر محمدرضا نجاریان و محمدکاظم کهدویی (۱۳۹۰: ۲۵۹-۲۸۰) که در نشریه *ادبیات تطبیقی* دانشگاه شهید باهنر کرمان چاپ شده است. البته، این احتمال می‌رود که چاپ این مقاله‌ها با تأخیر زمانی صورت گرفته و مؤلف کتاب به آن‌ها دسترسی نداشته است.

دیگر آن‌که، اگرچه اخلاق علمی و امانت‌داری نویسنده در نقل قول‌ها ستودنی است، اما او در چندین جای کتاب، نقل قول‌هایی از منابع معتبر و قدیمی ذکر نموده است و به جای ارجاع به خود آن منابع بنیادین و معتبر به منابع دیگری استناد کرده است.

در صفحه ۵۶ آمده است: «عوفی گفته است: ...» (صفا، ۱۳۶۸: ۱/ ۳۷۲).

یا در صفحه ۲۳ آمده است: «دولت‌شاه سمرقندی مؤلف *تذکره‌الشعرا* هم نوشته ...» (شعار، ۱۳۶۵: ۳۸).

اهمیت این مسئله بیش‌تر به سبب آن است که مراجعه به آن منابع نخستین بیان‌گر ژرفای پژوهش است و سبب درستی و دقت در نقل قول‌ها و مانع انحراف در پژوهش می‌شود.

## ۶.۲.۲ نوآوری یا تقلید

مؤلف در این کتاب گامی را در «تقلید» و گامی را در «نوآوری» تجربه نموده است؛ تقلید او بیش‌تر از آن جهت است که از چهارچوب‌ها و الگوهای موجود در پژوهش‌های تطبیقی بسیاری از نویسندگان ایرانی فراتر نرفته است. اما نوآوری‌اش بیش‌تر در بخش «نقد و نظر»

است که نویسنده با جسارتی مثال‌زدنی به تحلیل و تفسیر مضمون‌های مشترک یا متفاوت دو شاعر پرداخته است. هرچند که میزان استنادهای علمی نویسنده نیز در این نقدها اندک است و بیش‌تر راه تجربه و ذوق را پیموده است (← میرقادری، ۱۳۹۰: ۱۳۸)

#### ۷.۲.۲ وحدت موضوعی و عضوی

مقصود نگارنده از وحدت موضوعی و عضوی پرداخت هماهنگ، منطقی، منظم، و جامع به موضوع و پرهیز از زیاده‌گویی و کم‌گویی و رعایت جانب مساوات در بیان مطلب است. در این رویکرد، بخش‌های یک پژوهش، یکی پس از دیگری، بسان حلقه‌های زنجیر در تکامل تدریجی و منطقی موضوع حضور دارند و نادیده گرفتن یا حذف بخشی از آن سبب پریشانی و نابه‌سامانی در تمامی اثر می‌شود (← زینی‌وند، ۱۳۸۹: ۱۱).

فصل نخست این کتاب (رودکی و ابونؤاس)، فصل دوم (خاستگاه خمريات)، و فصل سوم (تطبیق خمريات رودکی و ابونؤاس) است. ترتیب این فصل‌ها با رعایت تیتروهای اصلی و فرعی صورت گرفته است. اما با توجه به این‌که فرض اساسی این پژوهش تأثیرپذیری رودکی از ابونؤاس است، شایسته می‌نمود که فصلی مستقل در باب اوضاع فرهنگ و ادب عربی در ایران به روزگار رودکی و نیز تأثیرگذاری فرهنگ و ادب ایرانی بر فرهنگ و ادب عربی در روزگار عباسیان و ابونؤاس اختصاص می‌یافت.

اهمیت پرداختن به این موضوع بیش‌تر به سبب آن است که مخاطب بتواند تصویر روشنی از سیر تاریخی این غرض شعری در فرهنگ ایرانی و عربی بیابد. ضمن این‌که، همان‌طور که گفته شد، اگر این کتاب بر اساس «نظریه» طراحی شود، در ترتیب فصل‌های کتاب نیز رعایت تقدم زندگی و شعر ابونؤاس بر رودکی ضروری است.

#### ۸.۲.۲ اعتبارسنجی منابع

در این کتاب از ۶۴ منبع گوناگون استفاده شده است. تفکیک این فراوانی به شرح ذیل است:

الف) ۲۱ منبع از منابع نخستین و قدیمی؛

ب) ۵۱ کتاب و ۱ مقاله از منابع جدید.

همان‌طور که گفته شد، نویسنده می‌توانست از منابع علمی - پژوهشی بیش‌تری استفاده کند. در بند «روزآمدی داده‌ها و اطلاعات اثر» به این کاستی اشاره شده است. استفاده از منابع اصلی بر پشتوانه پژوهشی و ژرفای آن می‌افزاید. واقعیت این است که جایگاه منابع قدیمی و به تعبیری منابع اساسی در این کتاب جایگاه چندانی مناسبی نیست. بنابراین،

پیشنهاد می‌شود در چاپ جدید کتاب از منابع کهن و نخستین استفاده بیش‌تری شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود در مقدمه کتاب روشن شود که نویسنده در استناد ابیات به رودکی و ابونواس چرا و از کدامین تصحیح دیوان دو شاعر استفاده نموده است؟ افزون بر این، اهتمام بیش‌تر و ذکر مستند و مستدل مطالب حاشیه‌ای مرتبط در پانوشت یا پی‌نوشت بر اعتبار علمی کتاب می‌افزاید و آن را به مرجعی علمی و دانشگاهی تبدیل می‌کند. این مسئله چندان مورد اهتمام نویسنده قرار نگرفته است. به عنوان پیشنهاد، بهتر است که نویسنده در چاپ جدید به این مسئله توجه نماید که این دو شاعر در آفرینش مضمون‌ها و سبک‌های باده‌سرایی بیش‌تر به چه کسانی از پیشینیان یا معاصران نظر داشته و چه تأثیری بر شعر پس از خویش بر جای نهاده‌اند؟

#### ۹.۲.۲ اعتبارسنجی اخلاق و تعهد در تألیف

ویژگی‌های یک پژوهش‌گر برجسته ادبیات تطبیقی گوناگون است: پرهیز از تعصب و خودشیفتگی و رعایت جانب انصاف و امانت از جمله آن‌هاست. زیرا ادبیات تطبیقی روزنه‌ای برای دیدن دیگران و آشنایی با فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون است. میرقادری در این کتاب، ضمن رعایت این فضیلت‌ها در بسیاری از تحلیل‌ها بر آن بوده است تا بر مدار «مبانی و اصول دینی - اسلامی» عمل نماید. البته، پیشنهاد می‌شود با توجه به اهمیت این مسئله و برای تأکید بیش‌تر بر مفهوم آیه شریفه «والشعراء يتبعهم الغاؤون...» (شعراء: ۲۲۴-۲۲۷) در چاپ جدید کتاب بخشی مستقل به «نقد اخلاقی و دینی» شعر این دو شاعر اختصاص داده شود.

در ذیل به نمونه‌ای از دغدغه‌های دینی و اخلاقی نویسنده در این زمینه اشاره می‌شود:

از جمله دشواری‌هایی که در راه این پژوهش وجود داشته است عنوان و موضوع آن است که در نظر نخست به نظر جذاب و متعهدانه نمی‌نماید. چون نفس خمر حرام و ناپسند است ... در لابه‌لای مباحث، هدف‌دار و پژوهشی است متعهدانه به گونه‌ای که هر دانشجو و هر انسان خواستار حقیقت که در راه کمال گام بردارد، می‌تواند از این نوشتار بهره‌مند گردد و از آسیب گذرگاه‌های دشوار فوران احساسات و عواطف انسانی در امان باشد (میرقادری، ۱۳۹۰: ۱۶).

نکته پایانی، که ذکر آن در این جستار لازم است، موضوع ماهیت این پژوهش تطبیقی است. ادبیات تطبیقی برخلاف تصور برخی از مخاطبان عام و حتی برخی از پژوهش‌گران تخصصی این حوزه تنها به مقایسه یا سنجش و نقد زیبایی‌شناسی تفاوت‌ها

و تشابه‌ها نمی‌پردازد، بلکه ماهیت این دانش نوین و نوپا «بینا فرهنگی» است. درحقیقت، آرمان بنیادین ادبیات تطبیقی، تقویت فرهنگ ملی و گفت‌وگو با دیگر فرهنگ‌هاست. این مسئله بدین معنی است که ادبیات تطبیقی ضمن اهتمام به فرهنگ ملی، خود را از قومیت‌گرایی افراطی و خودبرتربینی فرهنگی رها نموده و به سوی تفاهم و تعامل فرهنگ‌ها و پذیرش تکثر و تعدد فرهنگی حرکت نموده است. میرقادری در این کتاب تلاش نموده است تا ضمن معرفی و تحلیل بخشی از فرهنگ ملی، که با محوریت شعر رودکی به عنوان پدر شعر فارسی است، جلوه‌ای از پیوندهای ریشه‌دار دو فرهنگ ایرانی و عربی (شعر ابونؤاس) را واکاوی کند. او در این رویکرد، خود را از تعصب و خودبرتربینی فرهنگی رها نموده است. چنین پژوهش‌های تطبیقی می‌تواند زمینه‌ساز شکوفایی فرهنگ بشری باشد. البته، لازم است که میرقادری با تحلیل بیش‌تری در مقدمه کتاب به این پرسش پاسخ دهد: این پژوهش تطبیقی چگونه می‌تواند در تقویت و شکوفایی فرهنگ ملی سودمند باشد و زمینه‌های دوستی و داد و ستد فرهنگ ایرانی و اسلامی را فراهم نماید؟ و دیگر این‌که این پژوهش تطبیقی چگونه می‌تواند در چهارچوب نظریه اسلامی ادبیات تطبیقی ارائه شود و در گسترش داد و ستدهای ادبی میان کشورهای اسلامی سودمند باشد؟

### ۳. نتیجه‌گیری

۱. از ویژگی‌های ممتاز این کتاب، که سبب شده است نویسنده در متن حضور بارز و چشمگیری داشته باشد، بخش «نقد و نظر» است. البته این نقدها بیش‌تر حاصل ذوق و تجربه‌های پژوهشی نویسنده است. از این رو استناد به منابع معتبر علمی و استفاده از یافته‌های جدید پژوهشی بر ارزش آن‌ها می‌افزاید.
۲. بزرگ‌ترین و اساسی‌ترین چالش این کتاب نادیده گرفتن و غفلت از ارزش «نظریه» در پژوهش‌های تطبیقی است. این مسئله سبب شده است که نظم منطقی و انسجام درونی اثر نیازمند بازکاوی و اصلاح باشد. نظریه موتور دانش است و تدوین آثار بر اساس نظریه، سبب شناخت درست، هدف‌مندی منطقی، و آفرینش دیدگاه‌های بدیع و ارزنده می‌شود و چنین آثاری بیش‌تر مورد ارجاع و استفاده اندیشمندان و پژوهش‌گران قرار می‌گیرند.
۳. از دیگر نقدهای وارد شده بر این تألیف غفلت مؤلف از «نقد ادبی و ارزش‌گذاری» شعر دو شاعر است. اگر در پژوهش‌های تطبیقی «زیبایی‌شناسی و ادبیات اثر ادبی» مورد نقد

جدی قرار نگیرد و تنها به بیان جنبه‌های تأثیر و تأثر یا تشابه و تمایز آن‌ها بسنده شود، آن نقد و پژوهش ناتمام است.

۴. ذات و ماهیت ادبیات تطبیقی در شناخت متقابل و گفت‌وگوی فرهنگی میان ملت‌ها نهفته است. درحقیقت ادبیات تطبیقی بر آن است تا در عرصه ملی و جهانی خود را از خودشیفتگی فرهنگی و انحصارگرایی برهاند و در مسیر تکامل فرهنگ انسانی و شناخت پیوندهای مشترک فکری - فرهنگی حرکت نماید. مؤلف در تحلیل‌هایی که بیان نموده است در مسیر این آرمان انسانی - فرهنگی ادبیات تطبیقی گام برداشته و هیچ اثری از تعصب و خودبرتربینی فرهنگی در آن دیده نمی‌شود.

۵. سودمندی ادبیات تطبیقی زمانی بیش‌تر می‌شود که در مسیر شکوفایی فرهنگ ملی و جهانی گام بردارد؛ لازم است نویسنده محترم در تبیین نظری عملی کتاب به این وظیفه و کارکرد برجسته ادبیات تطبیقی اهتمام بورزد و خود را از چهارچوب‌های تکراری و مشهور برخی پژوهش‌های تطبیقی برهاند.

## منابع

- انوشیروانی، علی‌رضا (۱۳۸۹ الف). «ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران»، ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، پیاپی ۱.
- انوشیروانی، علی‌رضا (۱۳۸۹ ب). «آسیب‌شناسی ادبیات تطبیقی در ایران»، ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، پیاپی ۲.
- خاتمی، احمد (۱۳۸۹). نقد کتاب، گزیده مقالات کتاب ماه ادبیات درباره نقد کتاب، دفتر اول، تهران: خانه کتاب.
- زینی‌وند، تورج (۱۳۸۹). *الوحدة العضوية مفهومها فی ضوء أسلوب القرآن الکریم*، طرح پژوهشی دانشگاه رازی کرمانشاه.
- زینی‌وند، تورج (۱۳۹۰). «مقارنته بین ابی نؤاس و الرودکی السمرقندی فی ضوء خمرياتهما المادية»، فصل‌نامه نقد و ادبیات تطبیقی، دانشگاه رازی، ش ۴.
- زینی‌وند، تورج (۱۳۹۱). «فقدان روش پژوهش در مطالعات تطبیقی عربی و فارسی»، ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، پیاپی ۶.
- ساجدی، طهمورث (۱۳۸۷). *از ادبیات تطبیقی تا نقد ادبی: مجموعه مقالات*، تهران: امیرکبیر.
- کالر، جاناتان (۱۳۸۵). *نظریه ادبی*، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: مرکز.
- میرقادری، سیدفضل‌الله (۱۳۹۰). *نقد و بررسی تطبیقی خمريات رودکی و ابونؤاس*، شیراز: کوشامهر.

۹۰ خمريات رودكى و ابونؤاس؛ نقدى گشوده، تحليلى ناتمام

نجاريان، محمدرضا و محمدكاظم كهديوى (۱۳۹۰). «نگاه شاعرانه رودكى و ابونؤاس به خمريات»، نشرية ادبيات تطبيقى، دانشگاه شهيد باهنر كرمان، س ۲، ش ۴.  
ولك، رنه (۱۳۸۹). بحران ادبيات تطبيقى، ترجمه سعيد ارباب شيرانى، ويژه‌نامه ادبيات تطبيقى فرهنگستان زبان و ادب فارسى، پيايى ۲.  
ولك، رنه و آوستن وارن (۱۳۷۳). نظرية ادبيات، ترجمه ضياء موحد و پرويز مهاجر، تهران: علمى فرهنگى.